

فریادهای بدون پروا که آنان نتیجتاً به حجمی پر صدا منجر شد. حدود ۲۵ دقیقه پایانی فیلم از جهت ایجاد تعلیق و زمان‌بندی سنجیده و اساسی کم سابقه است. با آنکه تماشاگر یک درصد هم مطمئن نیست که فرنگیس اعدام شود اما آه از نهاد همه تماشاگران سینما بر می‌آید و این تعلیق‌های مکرر تپش قلبها را به چندین برابر می‌رساند، چند قطعه موسیقی با سلوی ویلن و همینطور یک نوازندگی درخشان نشان داد که نوازنده خوب و توانا در سازهای اکوستیک داریم که می‌توانند به سینما روح تازه‌ای بدهند. یک قطعه ارکستری دیگر نیز وجود دارد که تأثیر بس غریب در ذهن تماشاگر می‌گذارد و این نشان توانایی «چشم‌آذر» در ساخت یک موسیقی اریزنیال است. نتیجه خوب نگرانی کارگردان (ایرج قادری)، مانع قطع امید حتی قشر روشنفکر و نویسندگان سینمایی شده است.

سفر

کارگردان: علیرضا رئیسین، فیلمنامه: عباس کیارستمی، مدیر فیلمبرداری: فرهاد صبا، مدیر تولید: محمدصادق آذین، تدوین: حسین زندباف، برنامه ریز و دستیار اول کارگردان: مهرداد میرفلاح، دستیار دوم کارگردان و فیلمبردار پشت صحنه: هادی مقدم‌دوست، جانشین مدیر تولید: محمد برسوزیان، منشی صحنه: ناهید رضایی، مدیر تدارکات: پرویز میرخانی، دستیار فیلمبردار: مجید فرزانه، عکس: شاهرخ سخایی، گریم: مهرداد میرکیانی، ثریا خرمی، بازیگران: داریوش فرهنگ، فاطمه معتمد‌آریا، فرخ‌لقا هوشمند، امیر پایور، علی مهدوی، تایماز صبا، احمد رضایی، بهنام بابایی، اعظم علی‌پور

از ریحانه تا سفر

۱ امید علوی

به نظر می‌رسد که علیرضا رئیسین در فیلم سفر، هیچگاه دغدغه گیشه نداشته و حتی به بازگشت سرمایه فیلم هم فکر نکرده است که اگر لحظه‌ای وسواس و یا تردید در گیشه و بازگشت سرمایه داشت؛ بطور حتم مرنوشت فیلم به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. چرائی و چگونگی این دو نکته به تهیه‌کننده و سرمایه‌گذاران فیلم باز می‌گردد.

علیرضا رئیسین خود بهتر می‌داند که چرا «سفر» با توجه به تیزرهای تلویزیونی و دیگر تبلیغات فروش نکرد. برخلاف جعفر پناهی که با «بادکنک سفید» اولین ساخته سینمایی‌اش این روزها، بورس بازار بین‌المللی فیلم شده و پشت سرهم موفقیت‌هایی را کسب کرده و تا مرز اسکار نیز پیش رفته است. چرائی و چگونگی اکران فیلم «سفر» و عدم فروش آن بطور حتم ربطی به کمیسیون اکران ندارد.

۲

اما «سفر» قرار بوده تلفیقی باشد از دنیای مستند و داستانی. اگر این تلفیق پذیرفته شود، بنابراین ویژگی‌های فیلم‌های مستند - داستانی را می‌طلبد و باید از اصول اینگونه سینما تابعیت کند. حتی اگر خلاقیت و نوآوری هم شده باشد در آنهم باز قاعده‌ای است. مطمئنم که فیلم آوانگارد هم نبوده است. چرا که سفر پیش از هر چیز به عباس کیارستمی باز می‌گردد و کیارستمی در آثار خود نمونه‌هایی دارد شاخص و مختص خود. «زیر درختان زیستون» نمونه بارز این شاخص‌هاست. حال چرا «سفر» هم در پرداخت و هم در اجرا ناتوان است باز می‌گردد به نگرش علیرضا رئیسین و شاید ساده‌گرفتن فیلمنامه‌ای که فیلمنامه‌نویس نسخه‌ای خام از یک موضوع را به او سپرده و یا به امانت داده است. ناگفته نماند در امانت‌داری رئیسین و وفاداریش به فیلمنامه شکی نیست. اگرچه جعفر پناهی گاه از فیلمنامه کیارستمی عدول می‌کند اما رئیسین بیشتر وفادار است، به‌رحال به نظر می‌رسد که استحقاق ساخت «سفر» نیز با خود عباس کیارستمی است.

۳

سفر فیلمی فراگیر نیست. آدم‌های این را می‌گویند. فرهاد (داریوش فرهنگ) مردی است روشنفکر مآب و واژه از اجتماع که در ارتباط پادبگرا مشکل دارد. مشکل فرهاد، مشکل جامعه نیست. روزی روزگاری به فکر تحولات اجتماعی بوده، اما به‌نظر می‌رسد، از تحول جامعه، بیشتر به فکر منافع خود بوده است تا دیگران. پری (فاطمه معتمد آریا) همسر دوم فرهاد نیز اگرچه در شهر زندگی کرده، اما هنوز دنیای «بی‌بی» را دوست دارد، او نیز با فرهاد مشکل دارد و به دنبال دنیایی دیگر است. شاید منطقه «مه‌سر» دنیای آرمانی اوست. اما این دنیای آرمانی را کسی نمی‌بیند. دنیای پری آمیزه‌ای از واقعیت و خیال است.

پدر فرهاد هم اگرچه روزهای پایانی عمر خود را می‌گذراند. اما مردی است که با اصول نظامیگری خو گرفته. او هنوز دنیا را از دریچه قدرت می‌بیند. قدرت طلبی او در عمل بی‌شبهت به منفعت‌طلبی و غرور فرهاد نیست. در این میان «بی‌بی» است که زندگی واقعی خود را واقعاً زندگی می‌کند. می‌ماند بچه فرهاد، بچه‌ای که با رها کردن موشک کاغذین می‌خواهد ارزش‌های نسل پدری خود را به باد فراموشی بسپارد.

۴

سفر می‌خواهد گریزگاهی باشد، برای شدن. شدن آدم‌ها، و یا آدمی که در شلوغی ذهن خود برای رهایی، (رهایی خود) به خویش پناه می‌آورد. بنابراین طبیعت پاک بهترین پناهگاه برای خلوت کردن و قضاوت خود است. از این‌روی آدم‌های سفر از شلوغی و بمباران شهر می‌گریزند و به طبیعت بکر و آرام پا می‌گذارند. غافل از اینکه آرامش طبیعت نیز با ناآرامی آدم‌ها برهم می‌خورد. در واقع فرار از شهر و بمباران لایه بیرونی فیلم سفر است و پناه بردن به طبیعت لایه درونی آن و اتفاقاً مهم لایه درونی است که منجر به یک سری حوادث و اضطراب می‌شود عذاب درون و وجدان



پس و نه در پیش فیلم دارد. آیا گم شدن بچه طرح یک مسئله فلسفی! و یا اجتماعی سیاسی! است؟ اگر باشد اصلاً در فیلم مشخص نیست.

رابطه فرهاد با سرباز نیز یکی دیگر از مسائل گنگ فیلم سفر است. فرهاد در میان این همه آدم چه نقطه مشترکی در روابط انسانی اش با سرباز دارد. آنهم کسی که در روابط با آدم‌ها مشکل دارد.

به هر حال سفر به جز کاستی‌هایش نقاط قوتی هم دارد. رهایی از یک سری واقعیت‌های تنفرآمیز در زندگی روزمره یکی از ویژگی‌ها و امتیازهای فیلم سفر است.

فصل پایانی، جاییکه پری تصمیم می‌گیرد به «مه‌سر» برود، از امتیازهای دیگر فیلم است. آنچه می‌ماند، رئیس‌ان است و «ریحانه» و سفر» که به نظر می‌رسد، رئیس‌ان در «ریحانه» موفق‌تر بوده و «سفر» کاری است برای خود کیارستمی با آنچه که خود از این‌گونه سینما می‌شناسد.

«پری و فرهاد و مشاجره بین آن دو از یک‌سو، تلنگرهای «پی‌پی» برای رفتن به منطقه «مه‌سر»، اضطراب فرهاد (اگرچه از خودخواهی‌های خود دست برداشته) از دیگر سو، کندکاو و نقبی است به مسائل انسانی. سرانجام این دغدغه‌ها و اضطراب‌ها، سفر پری به منطقه «مه‌سر»، دنیای آرمانی اوست. در واقع این پری است که از تمام دلستگی‌ها حتی فرزند خود چشم می‌پوشد و سفری دیگر آغاز می‌کند.

۵

ایکاش غلیرضا رئیس‌ان در مقام کارگردان در پرداخت موضوع و شخصیت‌هایش دقت بیشتری می‌کرد. اگرچه «سفر» فاقد سیر داستانی است ولی آوردن آن آدم‌ها در مهمانی برای چیست؟ این آدم‌ها چه مسئله‌ای را مطرح می‌کنند؟ کباب خوری و زندگی اشراف‌گونه و یا خوشگذرانی؟ بچه نیز چه جایگاهی در فیلم دارد. آیا صرفاً بعنوان یک نماد معصوم که درجایی موشک کاغذین را به هوا می‌فرستد و از تعلقات و باورهای نسل گذشته چشم می‌پوشد و یا به لحاظ حقیقتاً یک حادثه فرعی دیگر که هیچ قضیه‌ای را نه در